

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مسیری، پلاک ۲۲ • تلفن گویا: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • شماره: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آمور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۰۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: موسسه مطبوعاتی نشرگستر امروز نوین
تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

شترق

یکشنبه ۲۱ تیر ۱۴۰۵ • ۲۷ محرم ۱۴۴۸ • ۱۲ جولای ۲۰۲۶ • سال بیست‌ودوم • شماره ۸۰۵۴۲۴ • صفحه ۴۰۸

اذان ظهرتهران ۱۲:۱۰ • اذان مغرب ۱۹:۴۳ • اذان صبح فردا ۲:۱۵ • طلوع آفتاب ۴:۵۸

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

چرا کریدور ایرانی در تنگه هرمز بر کریدور عمانی ارجح است؟



مهدی زارع

عبور می‌کند. مسیر ایران- کریدور شمالی- با وجود ژرفای کمتر، از نزدیکی جزیره لارک برای تانکرهای سنگین قابل کشتیرانی است. در مسیر آبی جنوب لارک با فرورفتگی‌های محل کل دریا به یک کانال محلی فرو می‌رود که ژرفای آن بین ۳ تا ۳۵ متر می‌رسد. این موضوع یک بالشت عمودی قابل اعتماد را به خوبی بالاتر از آبخور ۲۰ تا ۲۵متری یک تانکر نفتی بزرگ با بار کامل فراهم می‌کند. جزیره لارک به‌عنوان یک لنکر سنگ سخت طبیعی عمل می‌کند. بلافاصله در جنوب صخره‌های شیب‌دار و حاشیه‌ای آن، بستر دریا به‌طور ناگهانی پایین می‌رود و یک «شکستگی قفسه‌ای» طبیعی در آب‌های زرف ایجاد می‌کند که تانکرها از آن برای عبور از مناطق کم‌ژرفای قسم استفاده می‌کنند. آب‌شستگی هیدرودینامیکی تنگه، جریان‌های جزرومدی شدید ایجاد می‌کند، به‌عنوان یک سیستم حفاری طبیعی عمل می‌کند. عبور آب از شبه‌جزیره مسندم و جزایر ایرانی، باریک‌شدن تنگه، جریان‌های جزرومدی را تسریع می‌کند که اغلب با سرعت سه تا چهار گره دریایی فراتر می‌روند (هر گره دریایی بر ساعت برابر با حدود ۱٫۸ کیلومتر بر ساعت است). این جریان‌های قدرتمند و متناوب هستند که آب‌شستگی هیدرودینامیکی ایجاد می‌کنند. آنها رسوبات ریز، گل‌ولای و شن را در امتداد پایه جنوبی جزیره لارک جسارو کرده و از تجمع زباله‌های دریایی یا جابه‌جایی تپه‌های شننی جلوگیری می‌کنند که در غیر این صورت می‌توانند خطرات پیش‌بینی‌ناپذیری در به گل نشستن ایجاد کنند.کانال به صورت پویا خود را تمیز می‌کند و تا پایین سنگ بستر یا قفسه شن سنگین تمیز می‌شود.

دانه‌های زیردریایی و نزدیکی به لنکرگاه جزیره لارک دارای نیرخ زیرآبی نامتقارنی است. ضلع شمالی آن شبیهی کم‌ژرفا و ملایم دارد که در فلات قاره سزرزمین اصلی متصل می‌شود، اما ساحل جنوبی آن شیب نسبتا

یادداشت

کمپین‌های کاهش مصرف برق؛ مسکنی که درمانگر نیست

مصطفی انوری

بژهوشگر سیاست‌گذاری عمومی و حکمرانی رفتاری

نشانه‌های اعتمادساز باشد، احتمال اثرگذاری بیشتر است. اما به محض آنکه مردم احساس کنند بار اصلی بحران بر دوش آنها افتاده، درحالی‌که ساختارها تغییری نکرده، اثر روانی کمپین فرسوده می‌شود. اینجا که سوئفاهم مهم شکل می‌گیرد؛ سیاست‌گذار ممکن است از «اثر محدوده کمپین‌ها به «کارکرد اصلی» آنها برسد، در حالی‌که این دو یکی نیستند. کمپین‌های کاهش مصرف می‌توانند شدت بحران را در لحظه کمتر کنند، اما نمی‌توانند کمبود مزمن را درمان کنند. آنها ممکن است برای یک تابستان، چند ساعت بیک را نرم‌تر کنند، اما نمی‌توانند سال‌ها تأخیر در سرمایه‌گذاری، ضعف در مدیریت شبکه یا ناهماهنگی در سیاست‌گذاری انرژی را جبران کنند. در بهترین حالت، این کمپین‌ها یک سد روانی می‌سازند، نه یک سد زیرساختی.

وقتی اقدام شناختی جای اصلاح ساختاری را می‌گیرد
مشکل اصلی آنجاست که دولت‌ها گاهی به‌جای حل ریشه‌ها، به مدیریت نشانه‌ها اکتفا می‌کنند، چون کمپین‌ها نسبتا کم‌هزینه‌اند، سریع راه می‌افتند و در سطح رسانه‌ای قابل نمایش هستند. چند تیزر تلویزیونی، چند پیام هنجاری، چند فراخوان برای صرفه‌جویی و تقویت کنند. اما کافی نیستند چون بحران انرژی در خود را انجام داده است. با این حال، واقعیت این است که اگر اصلاحات نهادی به تعویق بیفتد، پیام‌های رفتاری هر قدر هم خوب طراحی شوند، فقط نقش مُسکن دارند.

عدالت و مصرف؛ همه شهروندان در یک موقعیت نیستند

از سوی دیگر، دعوت عمومی به کاهش مصرف اگر بدون توجه به تفاوت‌های واقعی در دسترسی، درآمد، کیفیت مسکن، نوع تجهیزات و شرایط آبهوایی باشد، می‌تواند ناعادلانه شود. از خانواده کم‌درآمدی که کولر فرسوده دارد، خانه‌اش عایق نیست و در اوج گرما زندگی می‌کند، نمی‌توان



در خانه‌ای ساده میان نخلستان‌های جنوب، بوی حلوا، عطر عود، پرچم‌های ایران و قاپ‌های در آغوش گرفته، روایتگر اندوه زانی بود که با آیینی چندصداه، آخرین بدرقه خود را برای رهبر شهید به جا آوردند. آیینی که نسل به نسل در میان زبان عرب خوزستان حفظ شده و امروز بخشی از میراث ناملموس این سرزمین است. عکس: علی عرفی اربنا

instagram:sharghdaily1

twitter:sharghdaily

youtube:sharghdaily

Telegram:SharghDaily

aparat:tasvirshargh

www.sharghdaily.com

شبکه‌خوانی

وقتی اتاق جلوی تحصیل را می‌گیرد

اصغرازدی جبران

مردم‌شناس

هوا دارد تاریک می‌شود. من و خانم خطیبی دنبال خانواده‌ای در کوچه‌های پسر از پله می‌گردیم که سه دختر و یک پسر دارند، همگی علاقه‌مند، مستعد و مشتاق درس خواندن.

عصرها کوچه‌های محل سلوغ‌تر می‌شود. زن‌هایی که جلوی در خانه‌ها پاتوق کرده‌اند، «غیبت-صحبت» را قطع کرده و به ما لُژ می‌زنند. تاریخ‌نویسی از آشنایی عمیق در فضای اجتماعی اینجا جریان دارد که هر تازه‌واردی در شبکه‌های درهم‌تنیده آن گیر می‌افتد و معذب می‌شود. ما در ارتفاعات این محل در جمع صمیمی این خانواده گسترده نشستیم، در حالی که «کولر خد» کار می‌کند و هوای خنک را برای تپه‌نشین‌ها می‌گرداند. درس محصور اصلی صحبت ماست. معلم در کلاس به تحقیر به دانش‌آموزان دختر گفته بود: «محل‌تپه چیه که خودتون چی بشید؟».

ایمن طعنه زهرآلود را برای پنهان‌کردن ضعف خودش در تدریس بارها تکرار کرده بود. این معلم باور به جبر محله داشت و معتقد بود فقط دانش‌آموزان محله‌های مرفه‌تر توانایی یا شایستگی کسی شدن را دارند. یاد جلسه‌ای رسمی با حضور بالاترین رده از مقامات و مدیران کل ادارات استان افتادم که سه سال پیش برای ارائه نتایج پژوهش درباره یکی از محله‌ها به آن دعوت شده بودم. فهرستی از مشکلات را تهیه کرده بودم ولی فقط هفت دقیقه فرصت داشتیم تا مسائل محله را بگویم. وقتی نوبت به وضعیت مدارس محله رسید، گفتم: «آموزش و پرورش در یک تبعیض سیستماتیک، ضعیف‌ترین معلم‌ها را به مدارس محله‌های حاشیه‌نشین می‌فرستد».

پس از پایان حرف‌هایم، جو جلسه سنگین شد. چند نفر از مسئولان برآشفتمند و هر کدام در مقام دفاع از کارنامه خویش برآمدند. یکی از ایشان بانگ برآورد و من را متهم کرد که به معلم‌ها توهمین کرده‌ام: «چرا این حرف‌ها را می‌زنید. مگر معلم بلد داریم؟ همه معلم‌ها خوب‌اند».

مدیرکل آموزش و پرورش هم خاطره‌ای از یکی از فامیل‌هایش را به میان بحث کشید و بعدش گفت که این مشکلات در همه محله‌ها وجود دارند. با این تبیین، مسئولیت خویش را ایفا کرد و غائله را فیصله داد. اهالی خانه آقای رضایی پور، داستان جلسه بی‌نمر من و مسئولان را شنیدند و چیزی نگفتند. من در حال مشاوره‌دادن به دخترم براساس تجربه خودم از کنکور هستم: «من چند ماه مانده به کنکور، در جای خلوتی صندلی می‌گذاشتم. تصویر می‌کردم در جلسه کنکور هستم و تست‌های یک سال معین را می‌زدم». فکر می‌کردم دارم تکنیکی مهیج و مهم به دختر پشت کنکور آموزش می‌دهم که از آن خبر نداشته است. ولی خبر داشت. پس با اندوه در حالی که دستانشان را روی دو زانویش مشت کرده بود، جواب داد: «تو این خانه نمی‌توانم دروس‌هایم را بخوانم، چه برسد به اینکه بخوام کنکور را شبیه‌سازی کنم».

نهایتا معلم‌ها قادر نبودند محتوای معمولی کتاب‌ها را درس بدهند -چه برسد به اینکه سطح علمی دو دختر نوجوان آقای رضایی‌پور را آن قدر بالا بکشند که قادر به رقابت با دانش‌آموزان مدارس سایر محله‌ها باشند- بلکه محیط و شرایط خانه هم مانع از آمادگی دختر پشت کنکوری می‌شد. خانه‌های این محل بیش از هر سایت میدانی دیگری که در این سال‌ها مشغول پژوهش در مورد آنها بودم، من را یاد خودم می‌اندازد. ما که در دهه ۱۳۷۰ در سن دختر پشت کنکوری آقای رضایی‌پور بودیم، نه می‌دانستیم کنکور چیست و نه خبر داشتیم جایی به نام دانشگاه وجود دارد. اگر هم از چنین چیزهایی خبر داشتیم، نه اتاقی داشتیم و نه فضای خلوتی. اتاق جداگانه داشتیم مال طبقه ما نبود، همین‌طور درس خواندن و به دانشگاه رفتن، نه اجادمان چنین بودند، نه ما (بنگرید به کتاب «بازتولید در آموزش، جامعه و فرهنگ»، نوشته بوردیو و پیاوسون). اما حالا دختران آقای رضایی‌پور در محله‌ای حاشیه‌نشین، در دهه ۱۴۰۰ از همه چیز خبر دارند و شاید برای همین بود که آه و اندوه و افسوس‌شان، فضای پرخنده گف‌وگویی دوساعته ما را به دفعات تلخ می‌کرد.

پیشنهادخوانی

آیاساختمان‌هامی‌توانند

ما را خوشحال کنند؟

ما ساعات‌های زیادی از عمرمان را میان دیوارها، پنجره‌ها، راهروها و اتاق‌ها می‌گذرانیم، اما کمتر از خود می‌پرسیم که این فضاها چه اثری بر حال ما می‌گذارد. آیا خانه‌ای تاریک و بی‌روح می‌تواند بر احساس خستگی و بی‌حوصلگی ما بیفزاید؟ آیا مدرسه‌ای که نور، طبیعت و فضای تعامل ندارد، می‌تواند بر یادگیری کودکان اثر بگذارد؟ آیا بیمارستانی که فقط برای درمان جسم طراحی شده، می‌تواند اضطراب بیمار را بیشتر کند؟ کتاب تازه «معماری شاد» با طرح همین پرسش‌ها، معماری را از قالب یک دانش صرفا فنی بیرون می‌آورد و آن را به موضوعی انسانی، روان‌شناختی و اجتماعی تبدیل می‌کند.

معماری همیشه درباره ساختن بوده است؛ ساختن خانه، شهر، بنا و فضا. اما در سال‌های اخیر، پرسشی مجموعه‌ای از معماران و پژوهشگران شکل گرفته است که آیا ساختمان‌ها فقط باید نیازهای فیزیکی انسان را پاسخ دهند یا باید برای کیفیت زندگی، آرامش ذهن و احساس شادی از نیز برنامه داشته باشند؟

کتاب «معماری شاد» رویکردی انسان‌محور به طراحی محیط» نوشته دکتر شویا ولایتی، معمار و عضو هیئت‌علمی دانشگاه نپئ اکروم(ص) تبریز، پاسخی علمی و در عین حال انسانی به این پرسش می‌دهد. این کتاب تلاش کرده نشان دهد که معماری خوب فقط مجموعه‌ای از فرم‌ها، مصالح و سازه‌ها نیست؛ بلکه تجربه‌ای است که هر روز بر احساس، رفتار و حتی سلامت روان ما اثر می‌گذارد.

انسان امروز بخش بزرگی از زندگی خود را در محیط‌های ساخته‌شده، خانه، محل کار، مدرسه، مراکز درمانی و فضاهای شهری سپری می‌کند. بنابراین کیفیت این محیط‌ها تنها مسئله‌ای مربوط به زیبایی یا کارایی نیست، یک فضای نامناسب می‌تواند اضطراب، خستگی و احساس بی‌تعلقی ایجاد کند و در مقابل، یک محیط طراحی‌شده براساس نیازهای انسانی می‌تواند آرامش، ارتباط اجتماعی، تمرکز و امید را افزایش دهد.

نویسنده در این کتاب با عبور از نگاه سنتی به معماری، میان دانش معماری و یافته‌های روان‌شناسی محیط پیوند برقرار می‌کند. در کتاب معماری شاد، به معنای استفاده از رنگ‌های شاد، فرم‌های عجیب یا طراحی‌های پُرزرق‌وبرق نیست. شادایی در معماری حاصل هماهنگی مجموعه‌ای از عوامل است؛ از نور طبیعی و کیفیت هوا گرفته تا ارتباط با طبیعت، تناسب فضا، امکان تعامل اجتماعی و احساس کنترل بر محیط.

نور در این نگاه علاوه بر عنصر فنی برای روشن‌کردن فضا، عاملی مؤثر بر ادراک، خلق‌وخو و ریتم زندگی انسان است. حضور نور طبیعی می‌تواند کیفیت تجربه حضور در یک محیط را تغییر دهد. به همین دلیل است که بستبازی از فضاهای موفق معماری، ارتباطی هوشمندانه با نور روز، چشم‌انداز بیرونی و تغییرات طبیعی دارند. نویسنده همچنین به نقش طبیعت در طراحی محیط می‌پردازد؛ موضوعی که در معماری عصر حاضر جهان جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. حضور گیاهان، آب، مصالح طبیعی و چشم‌اندازهای سبز از فشارهای روانی می‌کاهد و حسن آرامش و تعلق را تقویت می‌کند. این نگاه البته موضوع تازه‌ای برای فرهنگ‌های معماری ایرانی نیست. بستبازی از عناصر معماری سنتی ایران، از حیاط مرکزی و باغ گرفته تا استفاده هوشمندانه از نور، سایه و آب، نشان می‌دهد که پیوند میان انسان و طبیعت همواره بخشی از تجربه فضایی بوده است.

شاید مهم‌ترین پرسشی که این اثر پیش‌روی خواننده قرار می‌دهد، این باشد که اگر قرار است انسان‌ها بیشتر عمر خود را در فضاهای ساخته‌شده بگذرانند، چرا این فضاها نباید به اندازه نیازهای جسمی، به نوازی روحی آنان نیز توجه کنند؟ «معماری شاد» یادآوری می‌کند که ساختمان‌ها فقط دیوار و سقف نیستند؛ آنها بخشی از تجربه زیستن ما هستند. معماری می‌تواند اضطراب را بیشتر کند یا آرامش بیافزیند، می‌تواند انسان‌ها را از هم دور کرده یا به هم نزدیک‌تر کند. آینده معماری شاید بیش از هر زمان دیگری به این وابسته باشد که چگونه میان ساختن فضا و ساختن حال خوب انسان‌ها پیوند برقرار کنیم.

شاید وقت آن رسیده باشد که از خود پرسیم چرا در بسیاری از شهرهای امروز، ساختمان‌ها روزبه‌روز بلندتر می‌شوند، اما زندگی در آنها لزوما بهتر نمی‌شود. معماری اگر فقط به ساختن دیوارها و پرکردن زمین‌ها محدود شود، چیزی تولید نمی‌کند؛ بلکه فضای بی‌روحی را در مرکز خود قرار دهد، می‌تواند به خلق زندگی کمک کند.

۶۰۰ هزار نفر

مقامات در سراسر شرق چین با تشدید توفان باوی، صدها پرواز را لغو کرده‌اند. همچنین مرکز ملی هواشناسی چین هشدار توفان را در فرمز افزایش داد. مرکز توفان، در حدود ۴۶۰ کیلومتری است. از ساکنان مناطق ساحلی آسیب‌دیده خواسته شده از آخرین هشدارها مطلع شده و برای اثرات احتمالی آماده باشند. در همین حال چین می‌تواند چند ساعت از حتی یک شب را در مراکز دارای تهویه مطبوع بمانند. پیش‌بینی می‌شود دما در این منطقه به ۴۰ درجه سانتی‌گراد نزدیک شود.

۴۰ درجه

در واکنش به موج گرمای شدید، دولت فرانسه این طرح اضطراری را سابقه برای مقابله با گرما را راه‌اندازی کرده که شامل ایجاد ۲۴ مرکز خنک‌کننده برای افراد آسیب‌پذیر است. این مراکز در درجه اول شامل سالمندان و همچنین بی‌خانمان‌ها می‌شود. مردم می‌توانند چند ساعت از حتی یک شب را در مراکز دارای تهویه مطبوع بمانند. پیش‌بینی می‌شود دما در این منطقه به ۴۰ درجه سانتی‌گراد نزدیک شود.

۶ مدال

تیم ملی المپیاد ریاضی ایران در چهارمین دوره مسابقات بین‌المللی ریاضی چین که به میزبانی پکن برگزار شد، با کسب چهار مدال طلا و دو مدال نقره، در میان ۴۹ تیم از کشورهای مختلف، عنوان قهرمانی و مقام نخست تیمی را به دست آورد. تیم قهرمان ایران با ترکیبی متشکل از آریان زندی، ارشا عزیزالدین، سیدامیرحسین طیب، علیرضا شریفی، رادین نیک‌آقبالی و علی جون‌بخش نجف‌آبادی به میدان رفت.